

مطالعه کیفی تغییرات در سبک زندگی و صورت‌بندی هویتی زنان در کردستان ایران (مطالعه موردی: شهر مریوان)

احمد محمدپور^{۱*}، مهدی رضائی^۲، گلاله برنا^۳

چکیده

این مقاله به بررسی کیفی تغییرات سبک زندگی در کردستان ایران- شهر مریوان- و پیوند آن با صورت‌بندی هویتی در میان زنان آن شهر می‌پردازد. مناطق مرزی شهرستان مریوان به دلیل موقعیت جغرافیایی و سیاسی-اقتصادی خاص درگیر رشد اقتصادی فزاینده و بحران‌های فرهنگی خاص ناشی از آن شده است؛ به‌گونه‌ای که شکل جدیدی از سبک زندگی و صورت‌بندی هویتی در این شهر آغاز شده و پیوسته در حال گسترش است. مطالعه حاضر در صدد است به منابع، مجاری، فرایندها و پیامدهای تغییرات در سبک زندگی و شکل‌بندی هویتی جدید در میان زنان این شهر بپردازد. روش‌شناسی این مطالعه کیفی است و در آن از روش اتنوگرافی و نظریه زمینه‌ای برای گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. با ۵۳ نفر از زنان و دختران این شهر مصاحبه‌های عمیقی انجام شده است. نمونه‌گیری با روش هدفمند اکتشافی و زنجیره‌ای انجام گرفته است. یافته‌های تحقیق حکایت از گسترش فزاینده تغییرات در ابعاد گوناگون سبک زندگی و هویتی مشارکت‌کننده‌ها دارد که در اکثر موارد با ساختار فرهنگی عام و سنتی و ارزش‌ها و هنجارهای شهر مریوان در تضاد بنیادین و همه‌جانبه است. براساس روش نظریه زمینه‌ای با تحلیل داده‌های متنی مصاحبه‌ها و برخی یافته‌های مشاهده‌ای، مجموعه‌ای از مقولات به‌منزله شرایط بسترساز تغییرات سبک زندگی، تعاملات شکل‌گرفته در این بستر و پیامدهای ناشی از آن‌ها استخراج شده‌اند که درنهایت به یک مقوله هسته با عنوان هویت تنش‌زا ختم شده است.

کلیدواژگان

زنان، سبک زندگی، شهرستان مریوان، صورت‌بندی هویتی نوین، نظریه زمینه‌ای، هویت تنش‌زا.

۱. استادیار گروه انسان‌شناسی، دانشگاه واندربیلت امریکا
ahmad.mohammadpur@vanderbilt.edu

۲. استادیار جمعیت‌شناسی، دانشگاه پیام نور، آذربایجان غربی
rezaimehdi1@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا
golalehborna@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۹

مقدمه

تحولات همه‌جانبه عصر حاضر در مقیاس جهانی علاوه بر تأثیرهای همگون بر جوامع مختلف بنابر زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی هر جامعه‌ای، آبشخور تغییرات شگرف و بی‌نظیر دیگری است. جهانی‌شدن، شهرنشینی فزاینده، توسعه فناوری ارتباطات، رسانه‌های پرمخاطب، به‌ویژه فضاهای مجازی رشد دانش در حیطه‌های مختلف علوم طبیعی و انسانی، تنوعات روزافزون کالاها و خدمات و... از جمله موضوعاتی‌اند که در جامعه مدرن فرصت‌های بی‌بدیلی فراروی انسان گذاشته و این‌گونه، شیوه‌های زندگی او را دستخوش تغییر کرده است [۱۲]. سبک زندگی از زمره مفاهیم جدیدی محسوب می‌شود که تغییر و تحولات پدیدآمده در دو دهه اخیر، ضرورت به‌کارگیری آن را در فهم جهان اجتماعی یادآور شده است. بیشتر متفکران کلاسیک جامعه‌شناسی اهتمام خاصی در کاربست مفهوم سبک زندگی نداشتند یا اینکه آن را به‌منزله متغیری وابسته به سایر متغیرها، از جمله وابسته به متغیر طبقه اجتماعی، در تحلیل‌های خود به‌کار می‌گرفتند [۱۸، ص ۱۰۱]، اما جهت‌گیری نظریه‌های اجتماعی در دهه اخیر به سمت اهمیت فزاینده سبک زندگی در شکل‌دادن به هویت شخصی و اجتماعی چرخش یافته و سبک زندگی به‌منزله موضوعی برای نظریه‌پردازی و پژوهش اجتماعی مطرح شده است [۱]. سبک زندگی در عین اینکه مفهومی عامه‌پسند است، واژه‌ای مبهم و چالش‌برانگیز است [۲۳، ص ۵]. از همین‌رو، مفهوم سبک زندگی دامنه وسیعی از امور عینی و ذهنی را شامل می‌شود. به‌طور کلی، این مفهوم الگوهای روابط اجتماعی، سرگرمی، مصرف، مُد، و پوشش را دربرمی‌گیرد و حتی نگرش‌ها، ارزش‌ها، و جهان‌بینی فرد و گروهی را که عضو آن است نیز باز می‌نمایاند [۲۰؛ ۲۴]. سبک زندگی در فرهنگ سنتی مفهومی بی‌معناست؛ چون در زندگی گذشته انسان‌ها عملاً گزینشی در کار نبود و سنت، عادات، رسوم، و عرف برنامه‌ای ازپیش‌تعیین‌شده عرضه می‌کرده‌اند که در آن نوعی جبر پنهان وجود داشت، اما دنیای جدید انتخاب‌های متنوعی را پیش روی فرد قرار داده و قدرت انتخاب رخ می‌نماید. سبک زندگی و تغییرات آن پدیده‌ای تک‌بعدی نیست، بلکه به عوامل متعددی مرتبط می‌شود که درهم تنیده‌اند و تلفیقی از همه آن‌هاست که آن را قابل تحلیل و تفسیر می‌کند. در باب عوامل مؤثر بر تحولات سبک زندگی، مایک فدرستون به تأثیر پیچیده، ناگزیر، و متقابل «امر جهانی» (نیروهای اجتماعی و فرهنگی که به لحاظ مکانی گسترده‌اند) و «امر محلی» (راه و رسم‌های خرد، سنت‌ها، و شیوه‌هایی که به لحاظ جغرافیایی محدودند) اشاره می‌کند [۳۱، ص ۶-۱۲]. استوارت هال نیز معتقد است که فرهنگ توده‌ای جهانی در شیوه‌های تولید فرهنگی و در سیطره انگاه‌ای است که به‌مراتب سریع‌تر و آسان‌تر از پیش در ورای مرزهای زبانی در رفت‌وآمد است و به‌مراتب بی‌واسطه‌تر از زبان‌های محلی سخن می‌گوید و شیوه‌های مسلط بر آن زندگی معمول، تفریح، و فراغت را در قالب هنرهای تصویری و دیداری بازسازی می‌کند

[۲۲، ص ۲۴۸]. از آنجا که این فرهنگ فرامدرن، کالایی شده، و نمادین است، از طریق گسترش ارتباطات جمعی، ارزش‌ها و سلایقی را از یک منطقه جغرافیایی به سرتاسر جهان منتشر می‌کند و بدون اجازه از مرزهای ملی می‌گذرد و جامعه ما از این امر مستثنا نیست.

استان کردستان، به‌منزله یکی از استان‌های کردنشین در ایران، چندین شهر هم‌مرز با منطقه کردستان عراق دارد که از آن جمله می‌توان به شهرستان مریوان اشاره کرد. در اوایل دهه ۱۳۸۰ و هم‌زمان با سقوط رژیم بعث در کشور عراق، به دلیل رواج مبادلات مرزی، این شهرستان تحولات چشمگیر اقتصادی به‌ویژه در حوزه اقتصاد تجاری رسمی و غیررسمی را تجربه کرد. این تحولات اقتصادی، پیامدهای اجتماعی خاصی را با خود به همراه داشت و اکنون که بیش از یک دهه از شروع این تحولات می‌گذرد، بسیاری از نمادهای اجتماعی و فرهنگی ساکنان این منطقه به نوعی دگرگون شده است و به عبارتی به تحول در سبک زندگی مردم منجر شده است. به قول بوردیو، قدرت اقتصادی همیشه با انهدام ثروت، و لخرجی متظاهران، اسراف، و شکل‌های تجمل‌گرایانه و غیرموجه مشخص و معلوم می‌شود. به زعم وی، اسراف آشکار عملاً راهی است برای تبدیل سرمایه اقتصادی به سرمایه سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی [۷]. بنابراین، همین نوع تحول اجتماعی - فرهنگی ناشی از تحولات اقتصادی نیز در این شهرستان اتفاق افتاده است و همه اقشار و گروه‌های جامعه، از جمله زنان، را تحت تأثیر قرار داده است. زنان به‌منزله یکی از اقشار بزرگ جامعه از این تحولات تأثیر پذیرفته‌اند. امکان حضور در فضاهای عمومی اعم از شغلی، تحصیلی، و تفریحی برای آن‌ها افزایش یافته است و امکان دسترسی به منابع مصرفی متنوع روزبه‌روز برای آن‌ها افزایش می‌یابد. بنابراین، می‌توان گفت که این تحولات به تغییر سبک زندگی کلی جامعه منجر شده است. اما این تحول در سبک زندگی زنان در این شهر چگونه است؟ این مطالعه کیفی درصدد است جریان و چگونگی تغییرات سبک زندگی و نمودهای چندگانه آن را بررسی و جایگاه آن را در صورت‌بندی هویتی زنان گرد مریوانی بررسی کند. این پژوهش در پی درک این نکته است که زنان مریوان چه درک و تفسیری از شرایط بسترساز تغییر سبک زندگی در این شهرستان دارند؟ تحولات اقتصادی ناشی از تجارت مرزی از کدام مجاری بر سبک زندگی آنان تأثیر گذاشته است؟ و این تغییرات در سبک زندگی چه پیامدهایی هویتی برای آنان در پی داشته است؟

با توجه به گستردگی موضوع سبک زندگی، تحقیقات درخور توجهی در این زمینه در کشورهای دیگر و به‌تازگی در ایران انجام شده است [۹، ص ۴-۲؛ ۱۲]. اما مطالعاتی نیز وجود دارند که اختصاصاً به موضوع سبک زندگی زنان پرداخته‌اند که در این میان می‌توان به روی و ساها [۳۷] در مطالعه‌ای با عنوان «تغییر در ترجیحات زنان: یک مطالعه عمیق در سبک زندگی و سن» بروکس و وی [۲۶] در مقاله «بازاندیشی و تبدیل هویت جنسیتی: مرور پتانسیل تغییر در یک کلان‌شهر»؛ اورنج [۳۵] در مطالعه‌ای تحت عنوان «ایجاد خود تغییر یافته: پویایی‌های

جنسیتی و سازگاری خلاقانه در محیط کار»؛ مقدس و خواجه‌نوری [۳۴] در مطالعه «جهانی‌شدن و تغییر هویت زنان»؛ زفت‌جاه [۱۰] در مورد «زنان و بازتعریف هویت اجتماعی»؛ سروش و حسینی [۱۱] با عنوان «جهانی‌شدن و هویت مستقل از خانواده و سبک زندگی زنان شهری»؛ حمیدی و فرجی [۸] در مطالعه «سبک زندگی و پوشش زنان در تهران» اشاره کرد.

چارچوب مفهومی

چارچوب مفهومی دسته‌ای از ایده‌ها و اصولی است که از حوزه‌های رایج پژوهش گرفته شده‌اند و برای ساختار بخشیدن به ارائه‌ی درپی بحث‌ها به کار می‌روند. درواقع، چارچوب مفهومی نقطه‌ی ارجاعی برای بحث از ادبیات، روش‌شناسی، و تحلیل داده است. چارچوب مفهومی تحقیق بیانگر جهان‌بینی آن است و در آن نحوه‌ی نگرش به موضوع تحت مطالعه و مفاهیم محوری آن مشخص می‌شود [۲۵؛ ۳۸]. با چنین رویکردی، این مطالعه سعی دارد بر اساسی‌ترین مفاهیمی که بنیان برساخت‌گرایانه و تفسیری این مطالعه را شکل می‌دهند توجه خاصی داشته باشد. از جمله این مفاهیم باید به مفهوم درک و تفسیر، سبک زندگی، بازانديشي، و هویت اشاره کرد.

از نظر برایان فی کنش‌های عاملان «بیش از آنکه مستقیماً تحت‌تأثیر شرایط بیرونی باشند برحسب تفاسیر موجود از این شرایط و نیت‌های معطوف به آن‌ها عملی می‌شوند. این شرایط نه به‌منزله‌ی علل، بلکه به‌منزله‌ی شرایط تضمین‌کننده در نظر گرفته می‌شوند» [۱۴، ص ۱۱۸]. بنابراین، وظیفه‌ی محقق تفسیری کشف مجموعه قواعدی است که زیربنای دسته‌ی معینی از اعمال را شکل می‌دهند [۱۵، ص ۱۸۱-۱۸۷]. در همین زمینه، گیدنز^۱ بر این باور است که انسان‌ها به‌طور «بازاندیشانه» رفتار خود و دیگران را درک و بازنگری می‌کنند. به عبارت دیگر، آن‌ها به پیامدهای کنش‌های خود و دیگران توجه دارند و به محاسبه و ارزیابی آن‌ها می‌پردازند. در این فرایند، از دو نوع «آگاهی گفتمانی» که دربردارنده‌ی ظرفیت دلیل‌آوری یا عقلانی‌سازی کنش فرد است و دیگری «آگاهی عملی» که عبارت است از ذخیره‌ی معرفتی مورد استفاده‌ی فرد در حین انجام کنش و در موقعیت‌هایی که به تفسیر کنش‌های دیگران می‌پردازد [۱۹، ص ۳۸۵].

پارنل و همکارانش در تعریف سبک زندگی «بر شمای کلی سبک زندگی تأکید دارند و معتقدند که تعریف ساده‌ی سبک زندگی، یعنی اینکه یک فرد چگونه زندگی می‌کند، که خود عبارت است از اینکه فرد از چه محصولاتی استفاده می‌کند، چگونه آن‌ها را به کار می‌گیرد، درباره‌ی آن‌ها چگونه فکر می‌کند و به آن‌ها چه احساسی دارد. سبک‌های زندگی بیان برداشت فرد از خود و ارزش‌های فردی‌ای است که در انتخاب‌ها و رفتار مصرفی افراد بازتاب پیدا می‌کند»

[۳۶، ص ۱۵۸]. سبک زندگی مجموعه‌ای کمابیش جامع از عملکردهاست که فرد آن‌ها را به کار می‌گیرد، زیرا نه فقط نیازهای جاری و روزمره او را برآورده می‌سازند، بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت خود برگزیده در برابر دیگران مجسم می‌سازد [۱۷، ص ۱۲۰]. گیدنز که در بررسی سبک زندگی هم به ساختار توجه دارد و هم به کنشگر [۳۲، ص ۱۲۱]، بازاندیشی را خصوصیت بارز جوامع مدرن می‌داند. یکی از پیامدهای عمده این بازاندیشی در دنیای مدرن پیدایش سبک‌های زندگی است. بازاندیشانه بودن سبک‌های زندگی بدین معناست که هر سبک زندگی در متن خود معنایی ضرورتاً باز و نامتعیین دارد. معانی فعالیت‌های سبک زندگی را اساساً نیروهای جامعه وسیع‌تر تعیین نمی‌کنند، بلکه طی فرایند دادوستد عملی زیست‌جهان‌های متمایز، معانی روش‌های استفاده از مواد و مصالح نمادین مصرف انبوه به اشیا و اعمال ملموسی مبدل می‌شوند که استعاره‌ای برای خودشان‌اند [۳۳، ص ۸۶]. بوردیو با مفهوم «فضای اجتماعی» سبک‌های زندگی مختلف را نشان می‌دهد و معتقد است که جامعه به‌منزله فضای اجتماعی بازنمایی می‌شود که جایگاه رقابتی شدید و بی‌پایانی است. در جریان این رقابت‌ها، تفاوت‌هایی ظهور می‌کنند که ماده و چارچوب لازم برای هستی اجتماعی را فراهم می‌آورند. مطابق مدلی که او ارائه کرده شرایط عینی زندگی و موقعیت فرد در ساختار اجتماعی به تولید منش خاصی منجر می‌شود. سبک زندگی همان اعمال و کارهایی است که به شیوه‌ای مشخص طبقه‌بندی شده و حاصل ادراکات مشخص‌اند. سبک زندگی تجسم ترجیحات افراد است که به صورت عمل درمی‌آیند و قابل مشاهده‌اند؛ الگویی غیرتصادفی که ماهیت طبقاتی دارد [۱۳، ص ۳۷].

از نظر برگر و همکارانش منظور از هویت تجربه واقعی فرد درباره خود در یک موقعیت اجتماعی خاص است؛ یعنی طریقی که در آن افراد به تعریف خود می‌پردازند. هویت در این معنا بخشی از یک ساختار معین آگاهی است. از نظر آن‌ها هویت مدرن مشخصاً باز است، انسان مدرن نه تنها به‌خصوص «مستعد تغییر» است، بلکه همچنین بر این امر واقف است و اغلب اوقات به آن می‌بالد. این کیفیت گشوده هویت مدرن، موجب بروز فشار روانی بر فرد می‌شود و او در برابر تغییر پیوسته تعاریف دیگران درباره خویشتن از او به‌طور خاصی آسیب‌پذیر است. این هویت مشخصاً تفکیک‌شده است؛ یعنی چندگانگی جهان‌های اجتماعی در جامعه مدرن موجب می‌شود تا ساختار هر جهان خاص به شکلی نسبتاً ناپایدار و نامطمئن تجربه شود. این هویت مشخصاً بازاندیشانه است و سرانجام فردیت یافته است [۵، ص ۸۴-۸۶].

حال با نظر به چارچوب مفهومی فوق و با توجه به ماهیت موضوع پژوهش و پرسش‌های بنیادی آن، با روش‌شناسی کیفی به سراغ فهم تغییرات سبک زندگی و هویت‌های حاصل آن تحولات می‌رویم.

روش‌شناسی مطالعه

روش این مطالعه از نوع کیفی است که طی آن محقق با ورود به جهان طبیعی پدیده‌ها و فعالیت‌ها سعی دارد آن‌ها را آن‌طور که هست برساخت و بازنمایی کند. بر این اساس، روش کیفی با اتکای به بنیان‌های پارادایم‌های تفسیری-برساختی ضمن پرهیز از فرضیه‌سازی و نظریه‌آزمایی، به طرح یک‌سری پرسش‌های بنیادی و استخراج الگوی داده‌ای یا نظریه‌سازی مبادرت می‌ورزد [۳۹]. برای انجام عملیات تحقیق، از روش اتنوگرافی-نظریه‌زمینه‌ای برای گردآوری، تحلیل، و تفسیر داده‌ها استفاده شده است. این روش امروزه یکی از شیوه‌های مهم تحلیل داده‌های کیفی در همه حوزه‌های علوم انسانی به شمار می‌رود. در روش نظریه‌زمینه‌ای، محقق در سه مرحله به کدگذاری باز، کدگذاری محوری، و کدگذاری گزینشی داده‌ها براساس روش مقایسه‌های ثابت می‌پردازد. در مرحله کدگذاری باز، مفاهیم اولیه و مقوله‌های عمده استخراج می‌شوند. در مرحله کدگذاری محوری، ارتباط بین مقولات عمده تثبیت می‌شود. در نهایت در مرحله کدگذاری گزینشی، مقوله کلیدی تحلیلی یا مقوله هسته انتخاب یا استخراج می‌شود [۲۷؛ ۲۸]. مقوله‌های عمده در قالب یک مدل زمینه‌ای حول مقوله هسته ترسیم می‌شوند.

در جریان گردآوری اطلاعات از روش‌های مشاهده و مصاحبه عمیق استفاده شده است. بیشتر مشاهدات از روند و چگونگی تجارت‌های مرزی، زندگی روزمره، و بازار انجام شده است. جامعه مطالعه‌شده، کلیه زنان جامعه مریوان در نظر گرفته شده‌اند. حجم نمونه براساس منطق اشباع نظری انتخاب شده‌اند که براساس این معیار با ۵۳ نفر از زنان در فاصله سنی ۱۷ تا ۳۶ سال مصاحبه انجام شده است. افراد نمونه براساس روش نمونه‌گیری هدفمند اکتشافی-زنجیره‌ای انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری هدفمند از جمله روش‌های مهم نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی است که در آن محقق با افرادی که به موضوع مطالعه‌شده آگاهی کافی داشته و مستقیماً با وضعیت مطالعه‌شده درگیرند مصاحبه می‌کند. هریک از مصاحبه‌ها حدوداً ۴۵ دقیقه تا یک ساعت به طول انجامیده است. مصاحبه‌های ضبط‌شده سپس روی کاغذ نوشته و به صورت سطر به سطر تحلیل و کدگذاری مفهومی شده‌اند. سپس براساس فضای مفهومی آن‌ها و فرایند مقایسه مفاهیم، به ترتیب خرده‌مقولات، مقولات عمده، و در نهایت مقوله هسته استخراج شده‌اند. در نهایت، کلیه مقولات تحت سه حوزه شرایط، تعاملات یا استراتژی‌ها، و پیامدها تقسیم‌بندی شده و در یک مدل پارادایمیک ترسیم شده‌اند.

پس از اتمام فرایند تحلیل داده‌ها و تولید مدل نظریه‌زمینه‌ای نهایی تحقیق، یافته‌های عمده به دست آمده و تحلیل‌های انجام شده به برخی از مشارکت‌کنندگان عمده پژوهش جهت ارزیابی ارجاع داده شد و بدین ترتیب براساس معیار اعتمادپذیری، داده‌ها، و تحلیل‌های ارائه‌شده مورد تأیید افراد درگیر قرار گرفتند (اعتباریابی از سوی اعضا). از سوی دیگر، یافته‌های تحلیل‌شده و مراحل کدبندی انجام شده از سوی چند متخصص در کار نظریه‌زمینه‌ای ارزیابی شدند (تکنیک ممیزی).

یافته‌ها

بررسی یافته‌های متنی حاصل از مصاحبه‌ها و مشاهدات میدانی محققان و مفهوم‌بندی آن‌ها به ظهور پانزده مقوله عمده و یک مقوله اصلی انجامید. از این میان، شش مقوله متعلق به حوزه شرایط، شش مقوله به حوزه تعاملات، و سه مقوله به حوزه پیامدها تعلق دارد. همه آن‌ها ذیل مقوله هسته، یعنی «هویت‌سازی تنش‌زا»، قرار گرفته‌اند. در ادامه، به تشریح هریک از مقوله‌ها پرداخته می‌شود. شایان ذکر است به دلیل طولانی‌شدن مقاله در بسیاری از موارد از ذکر نقل قول خودداری می‌شود. مسلم است همگی توضیحات مقولات برگرفته از مفاهیم و معانی به‌دست‌آمده از میدان مطالعه است.

شرایط

این حوزه مقولات چالش‌های ساختاری، بسط تعاملات فرامنطقه‌ای، رشد قارچ‌گونه تجارت مرزی، تناقضات توسعه، رسانه ارتباطی، و منابع ایمازی را دربرمی‌گیرد.

چالش‌های ساختاری: آن‌چنان که از تاریخ مکتوب و نیز شفاهی این منطقه برمی‌آید، در گذشته مریوان شهری کوچک بوده است با ساختاری تقریباً یک‌دست و اختلافات طبقاتی برجسته‌ای در آن به چشم نمی‌آمد. این شهر با مردمان آن سوی مرز در کردستان عراق قرابت فرهنگی، قومی، زبانی، و مذهبی و اقتصادی معیشتی و مبتنی بر مبادلات دوسویه داشتند. مردم این شهر عمدتاً به دامپروری و کشاورزی سنتی اشتغال داشتند. آغاز روند نوسازی و جهانی‌شدن، که در همه نقاط دنیا تغییر و تحولات عظیمی در سطوح مختلف زندگی فردی و اجتماعی مردم ایجاد کرده بود، رفته‌رفته بر شهر مریوان نیز به‌منزله یک شهر مرزی مؤثر واقع شد و در ابعاد مختلف از جمله زوال قدرت بازدارندگی مرزها از نظر سیاسی، اقتصادی، و جغرافیایی خود را نمایان کرد. از سوی دیگر، وقایعی چون جنگ ایران و عراق و پیامدهای ناگوار آن در شهرستان‌های مرزی، از جمله مریوان، مناقشات مذهبی، قومی، و سیاسی در این منطقه، وجود نگاه امنیتی به آن به‌ویژه به دلیل وجود و فعالیت احزاب دینی و سیاسی، فاصله زیاد این شهر با مرکز کشور و شهرهای صنعتی و بزرگ باعث شد شهرستان مریوان از لحاظ سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی دچار نوعی فقر و محرومیت مزمن در این چند دهه باشد. از نظر اقتصادی، به دلیل مبادلات مرزی و تجارت مرزی در این منطقه که نه تنها شامل بعد رسمی است، بلکه بعد غیررسمی آن یعنی قاچاق کالا را نیز دربرمی‌گیرد. هرچند در ظاهر باعث بالارفتن سطح رفاه و درآمد مردم شد، درحقیقت باعث غفلت از کشاورزی و کار تولیدی و نیز تنزل جایگاه سواد و اهمیت ادامه تحصیل در بین جوانان شده و مشاغل کاذب زیادی از جمله دست‌فروشی را رونق بخشیده است. در مجموع، می‌توان گفت این شهر با چالش‌های ساختاری مواجه است.

رشد قارچ‌گونه تجارت مرزی: همان‌گونه که ذکر شد، یکی از شیوه‌های تولید و امرار معاش در زندگی مردم منطقه داشتن روابط اقتصادی در سطوح خرد با مردم آن‌سوی مرز بوده است. گذار و تغییر این مناسبات معیشتی از مبادلاتی مبتنی بر رفع نیازهای اولیه مردم به مناسبات مبتنی بر اهداف سرمایه‌دارانه و سودآوری اقتصادی، جایگاه ویژه‌ای به مقوله مرز علاوه بر اهمیت سیاسی آن بخشید؛ به طوری که بعد از سال‌های جنگ تحمیلی، بعد مناسبات تجاری این مرز اهمیت مضاعفی یافت که هم بعد اقتصاد رسمی و هم غیررسمی را شامل می‌شد و پیچیدگی تجارت مرزی را در کنار تحولات اقتصادی و اجتماعی جهانی دوچندان می‌کرد. افزایش کمی بازارها و پاساژها از ۵ پاساژ در دهه ۱۳۶۰ به ۳۰ پاساژ و ۵ مجتمع تجاری در سال ۱۳۹۱ و حضور و جریان حجم انبوهی از معاملات مالی و انباشت پول در دست مردم و در بانک‌ها نشان از توسعه تجارت مرزی نسبت به گذشته است. پاساژی شدن شهر مریوان، ایجاد انگیزه بالا جهت کسب سود هرچه بیشتر و اهمیت یافتن جایگاه پول در زندگی مردم، رفتن به سوی مشاغل کاذب زودبازده، و... از پیامدهای توسعه مبادلات مرزی بود که به تحرک اقتصادی شتابان و ناموزون و انهدام ثروت به‌ویژه در فاصله سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۵ منجر شد. شرایط مذکور فرصت‌های شغلی زیادی را، به‌ویژه برای زنان و فرزندان، فراهم کرد؛ به طوری که زنان و فرزندان برخلاف گذشته امکان دسترسی و در اختیار داشتن ثروت و منابع مالی موجود در خانواده را یافتند. این امر به نوبه خود رقابت‌های متعددی را در میان زنان و نیز استقلال مالی زودرس فرزندان‌شان به دنبال داشت و این مرهون «رشد قارچ‌گونه» تجارت مرزی بود.

بسط تعاملات فرامنطقه‌ای: در حال حاضر، شهرستان مریوان به‌منزله یک نقطه استراتژیک اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و حتی سیاسی در همسایگی با کشور عراق و به‌ویژه منطقه رو به توسعه فزاینده کردستان عراق قرار دارد. در نتیجه چنین موقعیتی و با توجه به تحولات اخیر، بستری وسیع برای تعاملات اجتماعی و بین‌فرهنگی (با اهداف اقتصادی، تحصیلی، تفریحی) میان مردم مریوان و افراد غیربومی (داخلی و خارجی) ایجاد شده که آنان علاوه بر افزایش دانش بصری جدید، ناخودآگاه به مقایسه رفتارها، شیوه برخورد، سبک پوشش، و سایر موارد مربوط به شیوه زندگی - که سال‌ها در خانواده و از فرهنگ بومی خود آموخته بودند - می‌پردازند. در این زمینه، یکی از پاسخگویان این چنین بیان کرد:

زنان مریوان در برخورد با مسافران بومی، به‌ویژه زنان سنتدجی و زنان تهرانی، به پوشش، نحوه خرید، و رفتار اون‌ها با همسرانشون و بالعکس خیلی دقت می‌کنن و احساس می‌کنن خودشون تا این حد امکان انتخاب و قدرت عمل ندارن. خیلی وقت‌ها در جمع زنان ساعت‌ها در این مورد درددل می‌کنن و تصمیم می‌گیرن که از این به بعد مثل اون‌ها باشن، اما از زنان کردستان عراق بیشتر بی‌حجابی رو یاد گرفتن.

منابع ایمازی: منظور از منابع ایمازی، رسانه‌های تصویری و به‌خصوص تلویزیون و ماهواره است. با توجه به مرزی بودن شهرستان مریوان، مردم، چه در روستاها و چه در شهر، به

تکنولوژی‌های ماهواره و تلویزیون با قیمتی ارزان دسترسی پیدا کردند و با توجه به زمان فراغت زنان و به دلیل خانه‌دار بودن درصد بسیار بالایی از آنان، تقریباً مخاطب تمام‌وقت رسانه‌های تصویری شدند. از آنجا که این رسانه‌ها بیشتر جهت‌دهنده‌اند تا آگاهی‌بخش، مصرف بالای آن پیامدهایی را به دنبال آورد. از جمله روابط آسیب‌زای بین زن و شوهر، مراجعه متعدد به آرایشگاه، خیاطی و بازار که در همه موارد نوع تقاضای آن‌ها اغلب طبق الگوی اطلاعات بصری کسب‌شده از ماهواره چه در تبلیغات و چه در فیلم‌ها تعیین شده است. بنابراین، منابع ایماژی، به‌منزله عمده‌ترین واسطه آمیختگی امر محلی و امر جهانی، مستقیماً بر تغییر شیوه و سبک زندگی در این شهر کوچک تأثیر انکارناپذیر و کاملاً مشهودی بر جای گذاشتند. زنان خود به تأثیرات مستقیم این رسانه‌ها بر رفتار و باورهایشان اذعان می‌کنند. این امر در گفته‌های بسیاری از مشارکت‌کنندگان مشاهده می‌شود.

رسانه ارتباطی: پیشرفت وسایل ارتباطی جدید، گسترش روابط خصوصی بین‌فردی را بسیار بیشتر از گذشته ممکن کرد. به خصوص که این مسئله با ورود ترتیبات زندگی مدرن به جامعه مریوان و نیز رواج تکنولوژی‌هایی چون اینترنت و موبایل، همچنین رقابت‌های تجاری و بروز انواع خلاقیت‌ها برای کسب سود بیشتر از سوی سرمایه‌داران (مانند گسترش سیم‌کارت‌های اعتباری تلفن همراه) این امکان را فراهم می‌کنند تا مردم عملاً امکان تجربه‌های جدید و فراتر رفتن از چارچوب سنتی مجاز خود را بیابند و به سمت هنجارشکنی و نادیده‌گرفتن ناپیوندها حرکت کنند. در این مورد، یکی از پاسخگویان عنوان کرد:

قبلاً گوشی کمیاب و گران بود... امکانات محدودی داشت؛ سیم‌کارت هم یک میلیون بود، اون هم به پول اون موقع و در جامعه هم جا نیفتاده بود که زن هم موبایل داشته باشه... الان با ۱۰ هزار تومان صاحب سیم‌کارت می‌شی... الان با خرید یک شارژ ایرانسل برای یک زن می‌تونن راحت باهش صحبت کنن و ارتباط داشته باشن.

تناقضات توسعه: شهر مریوان به دلیل شرایط خاص آن و شدت تقابل امر محلی-امر جهانی در یک دهه اخیر، توسعه ناموزون و متناقضی را تجربه کرده است. تناقضات توسعه در مریوان از تناقض در ساختارهای اقتصادی، فرهنگی، و سیاسی تا تناقض در درون افراد جامعه را شامل می‌شود. از یک سو، رشد اقتصادی و عدم رشد فرهنگی متناسب با آن، فراهم‌شدن فرصت‌های متعدد تصمیم‌گیری طی ورود فرایندهای نوسازی و در مقابل بی‌ریشگی انتخاب‌ها و فقدان تجربه کافی زنان برای مدیریت انتخاب‌ها از سوی دیگر به عدم تصمیم‌گیری‌های صحیح و بروز عواقب ناشی از آن برای خود فرد، خانواده، و جامعه منجر می‌شود. یکی از پاسخگویان، که مدیر مدرسه است، به بخشی از عدم رشد هماهنگ اقتصاد و فرهنگ در مریوان اشاره دارد:

افرادی در مریوان هستند که بر اثر تجارت مرزی واقعاً ثروتمند شده‌ان، اما چون فکر روشنی ندارن، همه پول‌هاشون رو در زمینه ملک و مغازه صرف کرده‌ان... خیلی سرشون بشه می‌فرستشون دانشگاه آزاد مریوان... فکر می‌کنن شاهکار کرده‌ان. در عجبم چرا نمی‌فرستشون

خارج... به نظر من، زنان مریوانی نیز با آگاهی و دیدی علمی به تغییرات جدید اجتماعی نگاه نمی‌کنن، چون سواد این رو ندارن و زن‌ها این‌طور فکر نمی‌کنن که مدرن شدن، بلکه کورکورانه و از روی چشم و هم‌چشمی فقط سعی می‌کنن با تغییرات جامعه هم‌رنگ بشن.

تعاملات

این حوزه مقولات سیاست‌رهایی‌بخش، خودنمایی طبقه نوکیسه، فراغت‌مندی نوین، بازیافت بدنی، دگردیسی منابع هویتی، و چندگانگی انگیزه مصرف را دربرمی‌گیرد.

بازیافت بدن: بدن (به‌ویژه بدن زن) امروزه اسطوره راهنمای اخلاقی مصرف است و سرمایه‌داری نیز تمرکز خاصی بر آن دارد و به‌مرور از طریق تبلیغات رسانه‌ها و کالاهای متنوعی که وارد بازار می‌کند توجه زنان را به بدنشان به‌مثابه یک سرمایه باارزش جلب می‌کند؛ این سیاست عامدانه جهانی، زنان را به بازیافت بدنی خود وادار کرده است که نه تنها از حیث مالی هزینه گزافی برای زن دربردارد، بلکه حتی در مواردی مرزهای اخلاق را نیز زیر پا می‌نهد. برای مثال، در شهر مریوان یک‌سری فروشگاه‌ها حتی با پزشکان متخصص پوست قرارداد بسته‌اند تا در هفته یک روز به مشتری‌هایشان به‌صورت رایگان مشاوره پزشکی بدهند. در مقابل، پزشک نیز از محصولات تخصصی این فروشگاه، که اکثراً از فرانسه و انگلیس و حتی امریکا وارد شده‌اند، تجویز می‌کند. فروشنده یکی از این فروشگاه‌ها این‌گونه بیان می‌کند:

زنان امروزه بسیار زیاد به پوست و زیبایی پوستشون اهمیت می‌دن. افرادی رو می‌شناسم که بیماری‌های داخلی خطرناکی دارن، اما به اون توجهی نمی‌کنن، ولی برای چند تا از این کرم‌های پوستی حاضرند هزینه بالایی رو بپردازن و معتقدن هرچه محصول گرون‌تر باشه، بهتره و معجزه می‌کنه. زن‌هایی که حتی برای امور اولیه معیشتی زندگی‌شون محتاجان با التماس و خواهش می‌آن و برای پوستشون به صورت قرض یا قسطی از ما خرید می‌کنن.

خودنمایی طبقه نوکیسه: همان‌طور که قبلاً بدان اشاره شد، تحرک اقتصادی در مریوان عمدتاً از درآمد هنگفتی ناشی است که از مرز حاصل می‌شود. بنابراین، عمده افرادی که صاحبان این ثروت شده‌اند از کسبه‌های قدیمی شهر یا ثروتمندان شهر نبودند، بلکه برعکس عدده زیادی از آن‌ها سکنه روستاهای مجاور مرز بودند و پس از رونق تجارت مرزی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با آن مرتبط شدند و به‌مرور ثروت و دارایی درخور ملاحظه‌ای از این راه به‌دست آوردند. مشکل اینجاست که در کنار این تحرک و پیشرفت اقتصادی، سرمایه فرهنگی این قشر چندان متناسب نیست و به‌عبارتی آمادگی مدیریت و جهت‌دهی صحیح به این ثروت وجود ندارد. به گفته یکی از مصاحبه‌شونده‌ها، نمونه‌های زیادی از این خانواده‌ها را می‌توان دید که چندین واحد مسکونی را با امکانات کامل میله کرده و عملاً بی‌استفاده رها کرده‌اند و بیشتر در دوره مهمانی‌های زنانه برای نمایش دارایی خود آن‌ها را رو می‌کنند. همچنین، افراد مصاحبه‌شده معتقد بودند که قبلاً مردم اگر ثروتی داشتند، در خرید زمین و

ملک سرمایه‌گذاری می‌کردند نه چیزی که جلوی چشم باشد و جلب توجه کند، اما ثروتمندشده‌های امروزی با خرج‌های غیرضروری و نمایشی مانند لباس‌های گران و متعدد، طلا و زیورآلات، خانه‌های آن‌چنانی در نشان‌دادن ثروتشان اصرار دارند تا از این طریق منزلت و اعتبار اجتماعی و به قول خودشان «نام و نشان» در شهر کسب کنند. همچنین، مردها پولشان، را برخلاف ثروتمندهای قدیمی، صرفاً انباشته نمی‌کنند، بلکه در اختیار زن و فرزندان قرار می‌دهند تا از طریق خرج کردن آنان نیز خودنمایی کنند. زنان این گروه نیز علاوه بر مادیات، در ژست و نحوه سخن‌وری، برخورد و رفتار نیز برای نمایش بلندپایه‌بودن خود در تلاش‌اند.

دگردیسی در منابع هویتی: در مریوان نیز در گذشته، مانند هر جامعه دیگری از این نوع، منابع هویت‌بخش افراد شامل خانواده، فرهنگ، و عرف سنتی جامعه بود که بیشتر از طریق ریش‌سفیدان و بزرگان فامیل، مراجع دینی و قومی جامعه، و... اعمال می‌شد. اما در یک دهه اخیر، چرخشی جدی در منابع هویت‌بخش افراد جامعه مطالعه‌شده و به‌ویژه زنان رخ داد. روند فزاینده فردیت‌طلبی جهانی در کنار امکان انتخاب و استقلال عمل افراد از یک‌سو و زوال قیدوبندهای سنتی، زوال مردسالاری، زوال تبعیضات جنسیتی به نفع زنان، تغییر نقش‌های سنتی زنان، و... منجر به این شد تا کم‌کم جامعه مقاومت خود را به تغییرات از دست بدهد و حتی تمایل به تغییر نیز به‌طور عمومی در جامعه ایجاد شود. در این زمینه، قدرت‌نظارتی خانواده و جامعه کاهش یافت و ارزش‌های دینی و قومی اهمیت خود را تا حد زیادی از دست دادند. درحقیقت، امروزه در مریوان افراد در تصمیم‌گیری‌ها از شیوه زندگی به سبک والدین خود اجتناب می‌کنند و سبک‌های جدید زندگی را براساس اطلاعات وارده از منابع هویت‌بخش نوین چون رسانه‌ها، دانشگاه، افراد غیربومی، و تعاملات فرامنطقه‌ای برمی‌گزینند. اکثر مشارکت‌کنندگان به این مطلب اذعان می‌کردند که امروزه زنان بسیاری از امور روزمره زندگی‌شان را، که قبلاً از والدین خود می‌آموختند، از جمله آشپزی، بچه‌داری، زناشویی، و... از روی کتاب و اینترنت و مشورت با پزشک و روانشناس انجام می‌دهند.

چندگانگی انگیزه مصرف: مصرف یکی از استراتژی‌های اصلی سبک زندگی است که بسته به شرایط میدان تحقیق می‌تواند در زمینه‌های مختلف و به شیوه‌های متعددی از جمله مصرف تظاهری بروز کند. در جامعه پژوهش‌شده، مصرف در زنان از انگیزه‌های متعددی برمی‌خیزد. آن دسته که به‌دلیل بالا رفتن سطح رفاه و تحرک وضعیت اقتصادی از سطح ضرورت و نیاز فراتر رفته‌اند به مدگرایی، رقابت‌های مادی ناسالم، چشم و هم‌چشمی، و نمایش تظاهری دارایی‌شان روی آورده‌اند. بنابراین، کالا در زندگی آنان از جنبه ابزاری به نمایشی و از کیفیت به تعدد تغییر کارکرد داده است. برخی نیز از طریق مصرف سعی در بیان خود و معرفی هویت جدید دارند؛ با نوع پوشش، نحوه خرید، نحوه حرف‌زدن، ژست، و رفتارهای خاص و جدیدی که برای خود برگزیده‌اند از جمله نوکیسه‌های مرزی. برخی دیگر نیز به‌دلیل اینکه معتقدند همسرشان

به خاطر وضعیت جدید اقتصادی و انهدام ثروتی که پیدا کرده‌اند و از سوی دیگر از طریق ماهواره و نیز سفرهایی که جهت تجارت و کار به کشورهای همسایه دارند چشم و گوششان باز شده و زنان را با تعریف‌های جدیدی از سبک زندگی آشنا می‌کنند.

فراغت‌مندی نوین: با توجه به پیشرفت‌های جهانی در تکنولوژی‌ها، زندگی و روند رو به رشد تسهیلات زندگی، نوعی فراغت‌مندی نوین رواج یافته است که در گذشته جایگاهی نداشت. در گذشته، به‌طور کلی، مسافرت به قصد تفریح چندان در جامعه مریوان مطرح نبود. اما در یک دهه اخیر اهمیت زیادی یافته است و به صورت مسافرت‌های خانوادگی یا حتی مجردی و نیز اردوهای دسته‌جمعی زنانه به نقاط مختلف کشور و حتی کشورهای همسایه از جمله ترکیه، دوبی، چین، و کردستان عراق بروز یافته است. حتی خانواده‌هایی که کمتر متمکن بودند علاوه بر شهرهای مهم ایران حداقل به کردستان عراق سفر می‌کردند. از دیگر جنبه‌های فراغت‌مندی نوین در این شهر پاساژگردی، پرسه در بازار و خیابان، مهمانی‌های چرخه‌ای زنانه را که در آن تا حدودی به رقابت و خودابرازی نیز پرداخته می‌شود می‌توان نام برد. همچنین، رفتن به کلاس‌های آرایشگری، موسیقی، ورزش، اینترنت، و... در زمان فراغت از دیگر نمونه‌های شیوه‌های نوین گذران فراغت در این شهر در چند سال اخیر است. این نکات با تراکم بالایی در گفته‌های مشارکت‌کنندگان مشاهده می‌شود.

سیاست‌رهایی‌بخش: یکی از تغییر و تحولات اجتماعی و فرهنگی امروزین، اشاعه اطلاعات و آگاهی‌های جدید در حوزه زنان و حقوق آنان است. زنان مریوانی پس از روبه‌رو شدن با شرایط جدید زندگی و کسب اطلاعات و آگاهی درباره حقوق نداشته‌شان در طول تاریخ، به نوعی دچار حسرت و درصدد جبران آن برآمدند. گرایش آنان به استقلال‌خواهی و مساوات‌طلبی، تلاش در جهت توانمندسازی خود در همه زمینه‌های زندگی مدرن از جمله مهارت‌های ذهنی و عملی مانند کلاس‌های رانندگی، اینترنت، و... و همچنین تلاش در جهت احیای کرامت زن و مقابله با مردسالاری به شیوه‌های مختلف توسط زنان پیگیری می‌شود. این جریان با نمودهایی چون عدم همراهی با نظام عام فرهنگی گذشته، تمایل به تشکیل خانواده هسته‌ای و تک‌فرزندی در راستای آسایش و کیفیت بیشتر زندگی و رهایی‌بخشی خود، کاهش تعهدات سنتی نسبت به خانواده و بازتعریف وظایف زن در خانواده، خودمحموری، و خودتصمیم‌گیری، تغییر نگرش به طلاق به‌منزله امکان زیر بار ظلم نرفتن و نپذیرفتن شرایط آزاردهنده و عضویت در انجمن‌ها و گروه‌های اجتماعی، ورزشی، هنری، و... بروز داده می‌شود.

پیامدها

این حوزه مقولات تعارضات هویت، گسست‌های روان‌تنی، و دگرگونی ارزش‌ها را شامل می‌شود. بازگونی ارزش‌ها: این مقوله یک مقوله پیامدی است که به پیامدهای تغییر سبک زندگی

اشاره دارد. آنچه در میدان مطالعه شده به نظر می‌رسد، ظهور تغییرات گسترده و شتابان در این منطقه مرزی در ابعاد مختلف در یک دوره زمانی نسبتاً کوتاه و به صورت نامتوازن و نامتناسب با شرایط بومی این شهر است. با وجود این، همه این تغییرات منفی نبوده‌اند، بلکه اثرات مطلوبی نیز داشته‌اند. برای مثال، تغییر نقش‌های جنسیتی سنتی زنان و حتی مردان، بازتعریف وظایف زن در خانواده، افزایش فراغت و رواج مسافرت‌های خانوادگی یا مجردی، افزایش فرصت‌های تحصیلی، مالی، و شغلی برای زنان و فرزندان، فراهم شدن امکان خودتصمیم‌گیری و خودمدیریتی زن در خانواده و جامعه، توجه زنان به روحیه، علایق، و خواسته‌های فردی خود، ارتقای نظافت و بهداشت شخصی و خانوادگی، زوال تبعیضات جنسیتی و مردسالاری به نفع زنان، زوال قیدوبندهای سنتی، عدالت‌طلبی، تلاش زنان در جهت توانمندسازی خود، عضویت در انجمن‌ها و گروه‌های اجتماعی، ورزشی، هنری، ارتقای سطح کیفیت زندگی، بازنگری در شیوه تربیت فرزندان، و ده‌ها مورد دیگر. به گفته یکی از مشارکت‌کنندگان:

آنچه در گذشته قبح داشت، الان کلاس شده و برعکس.

یکی دیگر از پاسخگویان عنوان کرد:

ده سال پیش در مریوان دو تا آرایشگر زن داشتیم. هر دو غیربومی بودند؛ یکی سنندجی و دیگری قروه‌ای. قبلاً آرایشگاه رفتن عیب و گناه بود. افراد معدودی می‌رفتند. کسی هم اجازه نمی‌داد دختر یا زنش آرایشگر شود. اما الان در یک خیابان کنار دست هم پنج تا آرایشگاه زدند. همه‌شون هم مریوانی‌اند و در کلاس‌های آموزش آرایشگری حرفه‌ای شرکت کردند.

تعارضات هویت: واکنش جامعه در مواجهه با تغییرات جدید یکسان و یکنواخت نیست. جوانان، و به‌ویژه زنان، به دلیل تعارض و تضاد شدید بین حوزه‌های مختلف زندگی‌شان با چالش‌های هویتی زیادی روبه‌رو شده‌اند. در آمیختن انتخاب و مصرف با هویت‌یابی جنسیتی، جایگزین شدن کالاپرستی و مصرف‌گرایی به جای توسعه اصیل «خود» و بصری‌شدن هویت باعث تحمیل هنجارهای جدید مصرف بر زنان و ایجاد دوگانگی و تزلزل شخصیت در آنان و ابهام در حس تعلق فرهنگی و هویتی آنان شده است. در بحبوحه این تعارضات، برخی از زنان، به‌ویژه دختران جوان، تصمیماتی را از جمله در امر ازدواج اتخاذ می‌کنند که طولی نمی‌کشد به پشیمانی می‌گراید و عواقب متعددی به همراه دارد. یکی دیگر از پاسخگویان عنوان کرد:

زن‌ها توی بد مخصصه‌ای گیر افتادن. خیلی وقت‌ها از بس که باید در هر جا یه جور باشن، حرف بزبن و رفتار کنن و در جای دیگر یه جور دیگه؛ دارن دیوونه می‌شن. یادشون می‌ره خودشون در اصل چه جوری هستند و چی هستن. مثلاً با دوستان و هم‌کلاسی یه مدل، با خانواده شوهر یه مدل دیگه، با خانواده پدر و فامیل خودش یه جور دیگه... جایی وجود نداره که خودش باشه!

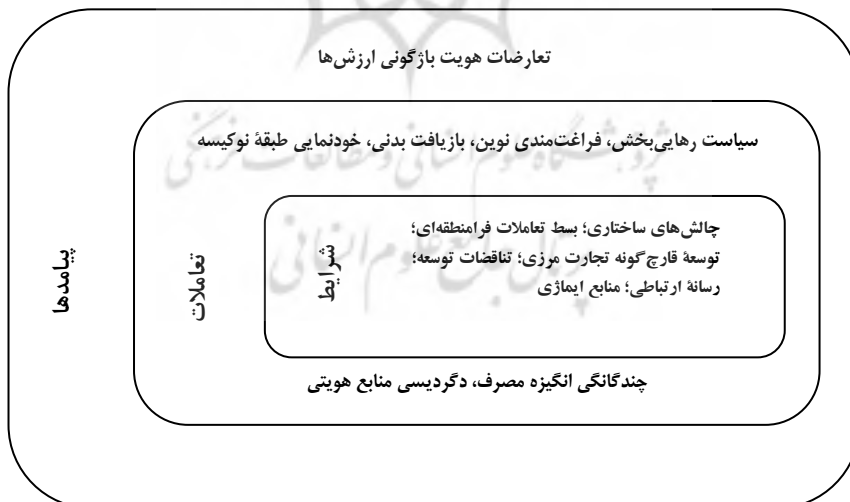
گسست‌های روان‌تنی: تحرک اقتصادی شتابان و «ازجاکنندگی فرهنگی» ناشی از آن در

شهرستان مریوان، تأثیرات ژرفی بر آن جامعه گذاشته است. طبق مصاحبه‌ها و مشاهدات، شمار زیادی از مردم از لحاظ بهداشت تن و روان دچار لطمه‌های جدی شده‌اند. از جمله آن‌ها می‌توان به زوال تعهدات خانوادگی، بروز خیانت‌های جنسی و استحاله ارزش‌های وفاداری، ازدواج‌های زودرس و شتابان، از بین رفتن قبح هنجارشکنی، بحران اخلاقی، اشاعه سبک‌های مادی زندگی، هژمونی فرهنگ تن‌آسایی، کالایی‌شدن بدن زن و خودشیفتگی هدایت‌شده، و موارد متعدد دیگری اشاره کرد [۱۶]. در این زمینه، پاسخگویی چنین می‌گوید:

توجه بیش از حد زنان به ظاهر به صورت مرضی درآمده، فشار زیادی به خودشون می‌آرن. با هزینه زیاد مثلاً الگوهای سنگین دستشون می‌کنند که بعد از یک مدت مچ دستشون دچار مشکل می‌شه، یا در آرایشگاه ریسک‌های عجیبی می‌کنند که حتی خطر آسیب جدی به جسمشون هست. اما می‌گن بکش و خوشگلم کن!

تغییرات در سبک زندگی زنان و «هویت‌سازی تنش‌زا»

برآیند کلیه مفاهیم و مقولات استخراج‌شده از متون مصاحبه‌ها در نهایت به یک مقوله هسته منتهی شد که بیانگر وضعیت کلی سبک زندگی جدید و صورت‌بندی هویتی ناشی از آن است. شکل ۱ مقولات شریاطی، تعاملی و پیامدی حاصل از سبک زندگی را نشان می‌دهد. مقوله هسته به دست آمده از کل اطلاعات عبارت است «هویت‌سازی تنش‌زا». این مفهوم بیانگر این است که کلیه تغییراتی که طی یک دهه اخیر در این جامعه اتفاق افتاده است با نوعی غرابت، تناقض، تضاد، سردرگمی، پریشانی، و تنش برای زندگی اجتماعی کل جامعه و از جمله زنان همراه بوده است و هویتی که از این وضعیت بر ساخته می‌شود توأم با نوعی تنش و فشار فرهنگی و روانی برای زنان است.



شکل ۱. مدل زمینه‌ای تغییرات در سبک زندگی و صورت‌بندی هویت به مثابه امری تنش‌زا

بازنگری و تعمق در مقولات عمده به دست آمده، از قبیل چالش‌های ساختاری جامعه، رشد ناگهانی و مداوم نهادهای تجاری و پول‌محور، گسترش ناگهانی روابط فرامنطقه‌ای و تداوم آن، و منابع ایمازساز بیگانه با فرهنگ بومی، همگی با همدیگر در وارد کردن نوعی تنش و استرس فرهنگی جدید به فرهنگ سنتی این جامعه مؤثر بوده‌اند. در بستر چنین شرایطی، کنشگران زن در فضای زبانی و کنشی خود به بازتفسیر و بازاندیشی در شرایط زندگی خود پرداخته و بسته به شرایط موجود و فرصت‌های ایجاد شده و به کمک ایمازهای فراوانی که در بستر روابط رسانه‌ای و فرامنطقه‌ای برایشان فراهم شده است رفتار و کنش‌های خود را تنظیم و بازتنظیم می‌کنند؛ بازتنظیمی که به دلیل شرایط سرشار از تناقض، بی‌گمان توأم با نوعی تنش و استرس روانی و اجتماعی است. صورت‌بندی هویتی جدید که خود هم مبتنی بر شرایط ظهور یافته جدید است و هم در سبک زندگی جدید نیز تبلور یافته است، با خود یک‌سری تعاملات جدید و شاید بیگانه با فرهنگ بومی را به همراه آورده است. این تعاملات را می‌توان در گسترش مدیریت بدن به سبک مدرن یا همان بازیافت بدنی، خودنمایی طبقه‌ای، تمایل سیری‌ناپذیر به مصرف، و تمایل به منابع جدید هویتی در میان زنان جامعه مریوان مشاهده کرد. که بنا بر ماهیتش می‌تواند توأم با نوعی تنش باشند. در نهایت اینکه شرایط و تعاملات مذکور برخاسته از آن‌ها، پیامدهای تنش‌زایی همچون تمایل به رهایی از قید برخی سنت‌ها از جمله سنت‌های جنسیتی و بازگونی ارزش‌های اخلاقی در سطح کلی و به‌ویژه در سطح ارزش‌های درون نهاد خانواده و ارزش‌های معطوف به جنسیت، و در نهایت نوعی گسست روان‌تنی را برای زنان را به دنبال داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

قرار گرفتن زنان در کشاکش سنت و مدرنیته و ارزش‌های متعارض و تناقض‌آمیزی که در خصوص نقش زن در خانواده و اجتماع در این دو منبع هویتی وجود دارد، سبب شد زنان به‌طور جدی با چالش‌های هویتی مواجه شوند و در جست‌وجوی هویتی مستقل به هر سو کشیده شوند. بدین ترتیب، بر اثر تحولات مذکور، زنان مریوانی، به‌ویژه طی ۶۵ سال اخیر، به گفته اکثر مشارکت‌کنندگان به این احساس رسیدند که در یک شهر کوچک دورافتاده و در قعر بدبختی و بی‌عدالتی زندگی کرده‌اند. در جامعه‌ای که در آن قانون، شرع، و عرف اغلب مبنی بر مردسالاری و نادیده گرفتن حقوق زنان بوده، چنین ادراکی که بیشتر از مصرف رسانه‌ها و تعاملات فرامنطقه‌ای نشئت گرفته است؛ در نهایت به تمایل آنان به آزادی دامن زده است. بنابراین، زنان آگاهانه یا ناآگاهانه تصمیم به اجرای شیوه‌ای جدید از زندگی و مدیریت آن گرفته‌اند؛ از جمله تجدیدنظر در تمایز بین وظایف و خواسته‌ها و علایق. اما از رویکردی دیگر دچار نوعی خودشیفتگی هدایت‌شده و به قول گیدنز دچار خودمشغولی نیز شده‌اند.

برآیند کلیه تحولات مذکور چیزی بیش از یک صورت‌بندی هویتی تنش‌زا نیست. این صورت‌بندی مسلماً فارغ از ابعاد مثبت برای کنشگر زن نیست، اما نکته اینجاست که نفس شکل‌گیری آن در چنین بستر ناهمگونی و به این شکل ناگهانی و سریع نمی‌تواند ثبات‌آفرین و انسجام‌بخش و اعتمادآفرین باشد. این نوع صورت‌بندی، تنش‌زاست. تنش هم برای کل اجتماع هم برای زنان، که به شکلی از اشکال با آن درگیرند، زیرا آن‌ها به نوعی مصرف‌کنندگان اصلی محصولات این رشد ناگهانی اقتصادی‌اند و هم مستقیماً هدف نیروهای ایماژساز فرمانطقه‌ای هستند.

نتایج این مطالعه به‌ویژه با نظریات بورديو [۷] درباره جایگاه تغییرات اقتصادی در تحول سبک زندگی همخوانی دارد. از سوی دیگر امر بازانديشی مورد نظر گیدنز [۱۷] در زندگی روزمره و تأثیر آن بر صورت‌بندی هویتی را نیز به‌خوبی بازنمایی می‌کند. همچنین گویای رویکرد ویلن [۲۱] درباره مصرف‌نیابتی به‌ویژه در مورد مصرف زنان و نقش آن در هویت‌سازی آن‌هاست. این مطالعه با نظریات بودریار [۶] درباره نقش رسانه‌های مدرن در ایماژسازی و رواج مصرف‌گرایی نیز همسو است. نتایج به‌دست‌آمده از مطالعه درباره هویت تا حد زیادی با تعریفی که برگر و همکارانش [۵] از مفهوم هویت دارند تطابق دارد. نتایج این تحقیق همچنین همسو با یافته‌های مقدس و خواجه‌نوری [۱۹] در زمینه تأثیرات جهانی شدن بر سبک زندگی و هویت اجتماعی زنان و یافته‌های مطالعه سروش و حسینی [۱۱] درباره شکل‌گیری هویت‌های مستقل از خانواده، و نیز نتایج تحقیقات بروکس و وی [۲۶] درباره بازانديشی در هویت جنسیتی است.

منابع

- [۱] ابادری، یوسف؛ چاوشیان، حسن (۱۳۸۱). «از طبقه تا سبک زندگی رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناسی هویت اجتماعی»، *نامه علوم اجتماعی*، س ۵، ش ۲۰، ص ۳-۲۷.
- [۲] ازدست، نادر (۱۳۸۸). «سبک زندگی و مصرف موسیقی، فیلم و کتاب؛ مطالعه جوانان شهر مهاباد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی و رسانه، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- [۳] ایراندوست، فهیم (۱۳۹۰). «سنخ‌شناسی سبک‌های زندگی: مطالعه موردی: شهر مهاباد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه کردستان.
- [۴] آزاد ارمکی، تقی؛ شالچی، وحید (۱۳۸۴). «دو جهان ایرانی؛ مسجد و کافی‌شاپ»، *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ش ۴، پاییز و زمستان، ص ۱۶۳-۱۸۴.
- [۵] برگر، پیتر؛ برگر، برجیت؛ کلنر، هانسفر (۱۳۸۷) «ذهن بی‌خانمان: نوسازی و آگاهی»، ترجمه محمد ساوجی، تهران: نی، چ ۲.
- [۶] بودریار، ژان (۱۳۹۰). *جامعه مصرفی، اسطوره‌ها، و ساختارها*، ترجمه پیروز ایزدی، تهران: ثالث.
- [۷] بورديو، پيیر (۱۳۹۳). *تمایز: نقد اجتماعی و قضاوت‌های ذوقی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: ثالث.
- [۸] حمیدی، نفیسه؛ فرجی، مهدی (۱۳۸۷). «سبک زندگی و پوشش زنان در تهران»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، س ۱، ش ۱، بهار.

- [۹] رضوی‌زاده، سید نورالدین (۱۳۸۶). «نگرش روستاییان به زندگی شهری و روستایی»، نشریه روستا و توسعه، ش ۳، ص ۸۶-۵۹.
- [۱۰] رفعت‌جاه، مریم (۱۳۸۳). «زنان و بازتعریف هویت اجتماعی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۵، ش ۲.
- [۱۱] سروش، مریم؛ حسینی، مریم (۱۳۹۲). «جهانی‌شدن، هویت مستقل از خانواده و سبک زندگی زنان شهری»، فصلنامه زن و جامعه، س ۴، ش ۱، بهار.
- [۱۲] شفیعی، سمیه (۱۳۸۶). «مطالعات جنسیت و اوقات فراغت: به سوی تبیین سبک زندگی»، مجموعه مقالات مطالعات راهبردی سبک زندگی، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، ص ۱۳۱-۱۷۵.
- [۱۳] فاضلی، محمد (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی، صبح صادق.
- [۱۴] فی، برایان (۱۳۸۳). نظریه اجتماعی و عمل سیاسی، ترجمه محمد زارع، تهران: مؤسسه ایران.
- [۱۵] — (۱۳۸۴). پارادایم‌شناسی علوم انسانی، ترجمه علی پایا، تهران: نی.
- [۱۶] قادری، امید (۱۳۹۰). «بازسازی معنایی پیامدهای فرهنگی تجارت مرزی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه کردستان.
- [۱۷] گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
- [۱۸] گیبینز، جان آر. بوریمر، ب. (۱۳۸۱). سیاست پست‌مدرنیته، ترجمه منصور انصاری، تهران: گام نو.
- [۱۹] محمدپور، احمد (۱۳۸۹). روش در روش: ساخت معرفت در علوم انسانی، تهران: جامعه‌شناسان.
- [۲۰] مهدوی کنی، محمدسعید (۱۳۸۶). «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ش ۱.
- [۲۱] وبلن، تورشتاین (۱۳۸۳). «نظریه اقتصادی لباس بانوان»، ترجمه محمدرضا طاهری، دو ماهنامه سوره اندیشه، ش ۱۳، ص ۵۲-۵۶.
- [۲۲] هال، استوارت (۱۳۸۳). «هویت‌های قدیم و جدید: قومیت‌های قدیم و جدید»، ترجمه شهریار وقفی‌پور، فصلنامه ارغنون، ش ۲۴، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- [23] Blaxter, M. (2004). *Health and Lifestyle*, Routledge.
- [24] Bocoock, R. (1992). "Consumption and lifestyles", In, Robert Bocoock & Kenneth Thompson (Eds), *Social and Cultural Forms of Modernity*, Open University Press.
- [25] Botha, M.E. (1998), "Theory Development in Perspective: The Role of Conceptual Frameworks and Models in Theory Development", *Journal of Advanced Nursing* 14(1), pp 49-55.
- [26] Brooks, A. and Wee, L. (2008). "Reflexivity and Transformatuon of Gender Identity: Reviewing the Potential for Change in a Cosmopolitan City", *Sociology*, Vol. 42, No.3, pp 503- 521.
- [27] Charmaz, K. (2006), *Grounding Grounded Theory: A Practical Guide through Qualitative Analysis*, London: Sage Publications Ltd.
- [28] Corbin, J., & Anselm S. (2008), *Basics of Qualitative Research*. Third Edition, London: Sage Publications.
- [29] Donoghoe, M. C. *et al* (1992). "Life-style Factors and Social Circumstances of Syringe Sharing in Injecting Drug Users", *British Journal of Addiction*, No. 87 (7): pp 993-1003

- [30] Evanse, D., & Tim J. (2007). *Towards a Sociology of Sustainable Lifestyles*, University of Surrey.
- [31] Featherstone, Mike (1995). *Undoing Culture*, London, Sage.
- [32] Giddens, A. (1976). *New Rules of Sociological Methods*. London: Hutchinson.
- [33] Giddens, A. (1994). *Beyond Left and Right; the Future of Radical Politics*. Cambridge: Polity Press
- [34] Moghadas, A. A. & Khajenoori, B. (2006). "Globalization and Women Identity Change", *Women Studies*. Vol. 3, No. 7, pp 5-32.
- [35] Orrange, R. M. (2003). "The Emerging Mutable Self: Gender Dynamics and Creative Adaptation in Defining Work, Family and Future" *Social Forces*, Vol. 82, No. 1, pp 1-34.
- [36] Parnell, J., Spillan, E., Singh, N. (2006). *Strategy through the Eyes of the Consumer: An Exploratory study across Emerging Economies*, Universidad de Talca, Chile.
- [37] Roy, D., & Saha, G.(2007). "Changes in Women's Dress Preference: A Depth Study Based on Lifestyle and Age", *South Asian Journal of Mannagement*, vol. 14, No.2, pp 92-107.
- [38] Strauss, A. & Corvin, J.(1998). *Basics of Qualitative Research*, London: Sage Publications.
- [39] Ten Have, P. (2004), *Understanding Qualitative Research and Ethnomethodology*, Sage.

